



تراژدی نارنجی پوشان فقط یک تصادف نبود

از جان پاکبان صیانت کنید



فاطمه قدیری

خبرنگار گروه جامعه

حادثه بامداد جمعه نهم آبان در بزرگراه شهید فهمیده، بار دیگر موضوع ایمنی شغلی پاکبانان را در مرکز توجه قرار داد. در این سانحه، برخورد خودروی سواری پرشیا با نیسان حامل پاکبانان شهرداری تهران، به فوت چهار کارگر خدمات شهری انجامید. براساس گزارش پلیس، راننده پرشیا در حالت مستی و با سرعتی بسیار بالا در حرکت بوده و پس از از دست دادن کنترل خودرو، با نیسان پاکبانان برخورد کرده است. شدت حادثه به حدی بود که سه نفر در محل جان باختند و نفر چهارم پس از انتقال به بیمارستان فیاض بخش درگذشت. در پی وقوع این حادثه دردناک، پرونده قضایی برای راننده پژو پارس به دلیل رانندگی در حالت مستی و ایراد صدمه بدنی غیرعمدی بر اثر رانندگی منجر به فوت تشکیل شد و در مورد راننده وانت نیسان نیز پرونده‌ای به اتهام ایراد صدمه بدنی غیرعمد بر اثر تصادف رانندگی منجر به فوت تشکیل شده است. با وجود روشن شدن بودن عامل مستقیم سانحه، واکنش‌های بعدی نشان داد که مسئله فراتر از یک تصادف است. از سویی شهرداری تهران و مسئولان سازمان پسماند بر رعایت نکات ایمنی و استفاده از لباس و علائم هشداردهنده تأکید کردند؛ از سوسی دیگر، فعالان حوزه کارگری و برخی اعضای شورا یادآور شدند که مشکل در ساختار کلی نحوه به کارگیری و حمایت از نیروهای خدمات شهری است. کارگرانی که هر شب در ساعات کم‌تردد معابر فعالیت می‌کنند، با کمترین سطح امنیت شغلی، پایین‌ترین میزان دستمزد و کمترین پوشش بیمه‌ای در سطح شهرداری‌ها مشغولند.

آمارهای غیررسمی نشان می‌دهد در سال گذشته، دست‌کم ۱۲ پاکبان در شهرهای مختلف کشور حین انجام وظیفه جان خود را از دست داده‌اند که اغلب به‌دلیل تصادف، بی احتیاطی رانندگان یا فقدان تجهیزات ایمنی استاندارد بوده است. در تهران نیز طی ماه‌های گذشته چند حادثه مشابه، از جمله برخورد خودروی سواری با پاکبانان در محور آزادگان، گزارش شده بود. این تکرار حوادث، پرسش‌هایی را درباره نحوه نظارت شهرداری بر پیمانکاران خدمات شهری و میزان پایبندی آنان به مقررات ایمنی شغلی ایجاد کرده است. همچنین حادثه فهمیده در حالی رخ داد که موضوع وضعیت معیشتی و بیمه‌ای کارگران پیمانکاری شهرداری در ماه‌های اخیر بارها در شورا و رسانه‌ها مطرح شده بود. قراردادهای موقت، پرداخت با تأخیر حقوق، نبود بیمه تکمیلی و کمبود تجهیزات ایمنی از جمله مشکلاتی است که بارها توسط نهادهای صنفی پاکبانان مطرح شده اما اصلاح مشخصی در ساختار آن دیده نشده است.

خودروی حامل پاکبانان پس از تصادف ۲۶ متر جابه‌جا شده است

بر اساس گزارش پلیس راهور تهران بزرگ، حادثه در ساعت ۲۰:۴۰ بامداد روز جمعه نهم آبان در مسیر شرق به غرب بزرگراه شهید فهمیده و در محدوده پل شهید همت رخ داد. خودروی پرشیا که با سرعتی غیرمجاز در حرکت بود، پس از انحراف از مسیر با نیسان حامل پاکبانان سازمان پسماند برخورد کرد. شدت ضربه موجب واژگونی نیسان و فوت سه نفر از سرنشینان در محل شد. نفر چهارم نیز که به‌طور جدی مجروح شده بود، پس از انتقال به بیمارستان فیاض بخش، ساعاتی بعد جان باخت. عملیات امدادو انتقال اجساد تا ساعت ۴ بامداد ادامه داشت. در گزارش رسمی آتش نشانی آمده است: «در لحظه وقوع حادثه، خودروی نیسان در لاین انصرطاری متوقف بوده و چراغ‌های هشداردهنده فعال بوده‌اند. برخورد پرشیا از پشت انجام شده و خودرو پس از تصادف ۲۶ متر جابه‌جا شده است.» این گزارش تأکید دارد که پاکبانان در حال انجام وظیفه شبانه و جمع‌آوری زباله بوده‌اند و برخلاف برخی شایعات اولیه، توقف آنان خارج از محدوده مجاز نبوده است.

با این حال، واکنش‌های عمومی و کارشناسی نشان داد که افکار عمومی ماجرا را تنها به راننده محدود نمی‌داند. در ساعات بعد از تصادف، کاربران

شبکه‌های اجتماعی و برخی از اعضای شورای شهر تهران، به مسئله ایمنی شغلی و شرایط کاری پاکبانان اشاره کردند. آن‌ها عقیده داشتند که تکرار حوادث جانی شبانه برای پاکبانان نشان می‌دهد مشکل، فردی نیست، باید به استانداردهای تجهیزات و ساعات کاری شبانه فکر کرد.

مناسفانه پس از گذشت بیش از ۱۰ روز از این حادثه، هنوز افکار عمومی اقناع نشده و در کنار این موضوع نهادهای ذی‌ربط مانند شهرداری از صحبت و دادن اطلاعات بیشتر در این خصوص سر باز می‌زنند و اطلاعات منتشر شده را «کافی» می‌دانند.

قانون ایمنی وجود دارد، اما ضمانت اجرا ندارد

فعالان کارگری یادآور شدند که در بیشتر مناطق شهری، خودروهای حمل پاکبانان فاقد حفاظ مناسب یا کمربند ایمنی اند و پاکبانان ناچارند در قسمت بار نیسان‌ها یا وانت‌ها بنشینند؛ وضعیتی که در صورت هرگونه برخورد، عملاً مرگبار است. پیمانکاران خدمات شهری نیز معمولاً برای کاهش هزینه‌ها، از خودروهای سبک و فرسوده استفاده می‌کنند، درحالی‌که طبق آیین‌نامه‌های ایمنی کار، حمل کارگران در قسمت بار وسایل نقلیه غیرمسافربر ممنوع است. در واکنش به این انتقاده‌ا، مدیرعامل سازمان پسماند شهرداری تهران اعلام کرد که بررسی وضعیت پیمانکار مربوطه در دستور کار قرار گرفته است. او گفت: «سازمان مدیریت پسماند همواره بر رعایت اصول ایمنی و بهداشت کاری (HSE) در میان کارگران خدمات شهری تأکید داشته و به‌طور منظم با هماهنگی راهور دوره‌های آموزشی برگزار می‌کند. در عین حال، با هرگونه کوتاهی پیمانکاران در تأمین شرایط ایمن کار برای زحمتکش‌ترین قشر از نیروهای شهرداری تهران برخورد قاطع خواهد شد تا چنین رخدادهایی هرگز تکرار نشود.»

البته از دید کارشناسان حوزه ایمنی شهری، این روند نشانه‌ای از یک مشکل ساختاری است؛ نبود اجرائی برای رعایت استانداردهای ایمنی در قراردادهای پیمانکاری. طبق مصوبه شورا، پیمانکاران موظفند خودروهای ایمن و دارای گواهی سلامت فنی برای حمل نیروها استفاده کنند، اما نظارت بر این بند عملاً به گزارش‌های داخلی سازمان پسماند محدود می‌شود و سازوکار مستقلی برای بازرسی وجود ندارد.

پیمانکاری، امنیت شغلی پاکبانان را فرسوده و معیشتشان را بی ثبات کرده است

حادثه اخیر در بزرگراه فهمیده، صرف‌نظر از عامل مستقیم آن، بار دیگر نگاه‌ها را به وضعیت شغلی یکی از پرزحمت‌ترین و در عین حال کم‌دیده‌ترین گروه‌های کارگری شهری معطوف کرد؛ آمار دقیقی از تعداد پاکبان‌های شهر تهران در دسترس نیست، اما بخش عمده‌ای از آنان نه کارمند رسمی شهرداری، بلکه نیروهای پیمانکاری هستند. در نظام پیمانکاری کنونی، شهرداری مناطق جمع‌آوری زباله، نظافت معابر و شست‌وشوی شهری را به شرکت‌های خصوصی واگذار می‌کند؛ شرکت‌هایی که در ازای قراردادهای چندماهه یا یک‌ساله، نیروی انسانی را جذب می‌کنند و مسئولیت بیمه، حقوق و ایمنی آنان را بر عهده دارند.

در ظاهر، این مدل با هدف کاهش هزینه‌های شهرداری و چابک‌سازی مدیریت شهری طراحی شده، اما در عمل به کاهش شدید امنیت شغلی و معیشتی کارگران منجر شده است. در اغلب مناطق قرارداد پاکبانان سه‌ماهه یا شش‌ماهه است و پیمانکاران به تصمیم پیمانکار وابسته است. حقوق دریافتی معمولاً در حد حداقل دستمزد مصوب وزارت کار است، بدون مزایای شغلی، پاداش مستمر یا بیمه تکمیلی. در بسیاری از مناطق، پرداخت دستمزد با تأخیر انجام می‌شود و در صورت بروز حادثه یا بیماری، کارگر ناچار است از طریق بیمه تأمین اجتماعی عمومی اقدام کند، نه از مسیر حمایت‌های اختصاصی شهرداری. از سوی دیگر، ساعات کاری طولانی و شرایط جسمی دشوار نیز بر شدت فرسودگی این قشر افزوده است. پاکبانان معمولاً از ساعت ۱۱ شب تا ۶ صبح فعالیت می‌کنند؛ در زمستان‌های سرد و تابستان‌های گرم، در

معابر پرخطر و گاه بدون دسترسی به امکانات اولیه مانند سرویس بهداشتی یا محل استراحت کوتاه. بسیاری از آنان در چند شیفت متوالی کار می‌کنند تا بتوانند هزینه‌های زندگی را تأمین کنند. نتیجه، خستگی مفرط، کاهش تمرکز و افزایش احتمال حادثه است.

شهرداری و شورا می‌توانند چرخه تکرار فوت پاکبانان را متوقف کنند

در ساختار فعلی، شهرداری تهران به‌عنوان نهاد واگذارکننده، عملاً نظارت پسینی دارد. گزارش‌ها معمولاً پس از وقوع حادثه تنظیم می‌شود و نظام پیشگیرانه‌ای برای ارزیابی ایمنی تجهیزات یا صلاحیت پیمانکاران وجود ندارد. حتی در قراردادهای جدید نیز شاخصی برای ارزیابی «ریسک ایمنی» لحاظ نشده است. در چنین شرایطی، حادثه نه یک استثناء، بلکه نتیجه محتمل سازوکاری است که به جای نیروی انسانی، بر عدد و هزینه تمرکز دارد. در این میان، شورا و شهرداری تهران نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر روند دارند. کارشناسان شهری بر ضرورت اصلاح ساختار پیمانکاری تأکید دارند؛ از جمله بازنگری در نحوه واگذاری‌ها، الزام پیمانکاران به استفاده از خودروهای استاندارد حمل کارگر، تشکیل کمیته‌های مستقل نظارت ایمنی و درج بندهای جریمه برای تخلفات ایمنی در قراردادها. پیشنهاد دیگر، ایجاد «سامانه نظارت بر ایمنی پاکبانان» است؛ سامانه‌ای که اطلاعات مربوط به وضعیت خودرو، بیمه، تجهیزات و ساعات کار نیروها را به‌صورت برخط ثبت کند. حادثه فهمیده یادآور یک واقعیت ساده است؛ هیچ شهری بدون امنیت نیروی کار خود امکان ندارد. تمیزی و نظم شهری نتیجه کار روزانه و شبانه کسانی است که حضورشان اغلب دیده نمی‌شود، اما غیایشان بلافاصله به چشم می‌آید. فوت چهار پاکبان در یک بامداد پاییزی، نه فقط نشانه خطای یک راننده، بلکه علامتی هشداردهنده از ساختاری است که در آن، ایمنی کارگر هنوز هزینه‌ای فرعی تلقی می‌شود. تا زمانی‌که این نگاه تغییر نکند هر سانحه‌ای، صرف‌نظر از محل وقوع، ادامه همان چرخه تکراری خواهد بود.



قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت؛ آزمون عدالت اجتماعی و وجدان ملی

معماران، دانش‌جویان و حتی مدیران شهری نگاه خود را تغییر دهند، اجرای قانون آسان‌تر و واقعی‌تر می‌شود. در این مسیر، رسانه‌ها و تشککل‌ها بازوی آگاهی و مطالبه‌گری‌اند و صدای وجدان عمومی را به گوش تصمیم‌گیران می‌رسانند. اجرای قانون بدون مشارکت فعال خود افراد دارای معلولیت و خانواده‌هایشان ممکن نیست. در سال‌های اخیر حضور نمایندگان این قشر در شوراهای تصمیم‌گیری و جلسات مشورتی، به تدریج در حال نهادینه‌شدن است. این تغییر فقط نشانه احترام نیست؛ بلکه نشانه بلوغ اجتماعی است. جامعه‌ای که تصمیم‌هایش را با مشارکت همه اعضا بگیرد، انسانی‌تر و کارآمدتر خواهد بود. اجرای قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت، یک مأموریت کوتاه‌مدت نیست. این قانون، طرحی ملی برای ساختن جامعه‌ای عادلانه‌تر است. تا امروز گام‌های مهمی برداشته شده: خدمات توان‌بخشی توسعه‌یافته، حمایت‌های معیشتی استمرار یافته، طرح‌های اشتغال‌زایی فعال شده و همکاری‌های بین دستگاهی تقویت گشته است؛ اما مسیر هنوز ادامه دارد. مسیر تکمیل، هماهنگی و اصلاح. در این میان، سازمان بهزیستی با نقش محوری دبیرخانه‌ای خود، در تلاش است تا هم‌زمان «ضمانت اجرایی قانون» و «پویست اجتماعی آن» را زنده نگه‌دارد. پیگیری مستمر، گزارش‌دهی شفاف، هم‌افزایی میان دستگاه‌ها و ارتباط با جامعه مدنی، پایه‌های اصلی این تلاش هستند.

سخن آخر اینکه قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت، تجلی اندیشه‌ای است که ریشه در ارزش‌های انسانی و دینی ما دارد: کرامت انسان، مسئولیت اجتماعی و عدالت در فرصت‌ها. این قانون یادآور می‌شود که جامعه زمانی کامل است که همه اعضایش دیده شوند و عدالت زمانی واقعی است که حتی ضعیف‌ترین صداها نیز شنیده شوند. تحقق این آرمان بزرگ، وظیفه یک سازمان یا نهاد نیست؛ مسئولیتی است همگانی. دولت، مجلس، شهرداری‌ها، رسانه‌ها، نهادهای مدنی و مردم، هر یک بخشی از این پازل هستند که باید کنار هم قرار گیرند تا تصویر عدالت کامل شود. سازمان بهزیستی در مقام دبیرخانه کمیته ملی، محور این هم‌افزایی است؛ اما این حرکت تنها زمانی به نتیجه می‌رسد که همه جامعه، از مسئول تا شهروند، خود را شریک این قانون بدانند. قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت، فقط صدای اداری نیست؛ پیانه‌ای است برای زندگی برابر، برای احترام به انسان و برای ساختن ایرانی که در آن، هیچ تفاوتی مانع زیستن نباشد.

عزل شهردار اهواز در حد یک مسکن است

توسعه نیافتگی قاتل احمد‌ها



زینب مزوقی

خبرنگار گروه جامعه

ماجرای ۱۱ صبح ۱۱ آبان‌ماه شروع شد. وقتی که مأموران شهرداری اهواز برای تخلیه دکه اغذیه‌فروشی خانواده بالدی به پارک زیتون اهواز رفته بودند، با مانعت احمد بالدی، پسر خانواده و مادرش بسرای تخلیه دکه مواجه شدند. هنگامی که اصرارهای مادر و مقاومت احمد برای جلوگیری از تخلیه دکه توسط اجرائیات شهرداری راه به جایی نبرد، احمد تصمیم گرفت برای جلوگیری از تخلیه، خودش را با تیر آهن به دیوارهای پارک زیتون متصل کند. در نهایت احمد پس از ۱۰ روز با ۶۰ درصد سوختگی فوت کرد. در ابتدا دادسرای عمومی استان خوزستان در اطلاعیه‌ای اعلام کرد با هرگونه سوءاستفاده برای برهم‌زدن امنیت و برانگیختن احساسات قومی، برخورد می‌کند. با رسانه‌ای شدن ماجرای خودسوزی احمد، پدرش یعنی مجاهد بالدی در گفت‌وگوهایش اعلام کرد در میانه مقاومت و اعتراض احمد و مادرش برای جلوگیری از تخلیه دکه اغذیه‌فروشی، وقتی احمد تهدید کرده بود که در صورت ادامه تخلیه، خودش را آتش می‌زند، مأموران شهرداری او را مسخره کرده بودند.

با درگیرشدن افکار عمومی در این اتفاق ناگوار، مرکز رسانه قوه قضائیه اعلام کرد که ۳ نفر از مسئولان شهرداری دستگیر و با قید وثیقه آزاد شدند. همچنین دادستان عمومی انقلاب گفته بود چندباری دستور تخلیه این دکه ابلاغ شده بود؛ اما خانواده بالدی از تخلیه آن خودداری کرده بودند. «در همین رابطه گزارشی از سوسی شهرداری به معاونت حقوق عامه دادستانی اهواز واصل شده و معاون دادستان اهواز نیز به کلا تری محل دستور می‌دهد که تخلیه این واحد با رعایت کامل موازین قانونی، حقوقی، شرعی و حقوق شهروندی، صیانت از اموال نامبرده، در زمان مناسب و بدون هیچ‌گونه تشنی انجام شود.» شهرداری بدون توجه به تأکیدات مقام قضایی و شروط تعیین شده، به صورت خودسرانه و در زمان نامناسب مجدداً برای تخلیه این واحد به محل مورد نظر مراجعه می‌کند.

درنهایت ۲۰۰ آبان‌ماه یعنی دو روز قبل، احمد بالدی فوت کرد. به دنبال فوت احمد، رئیس‌جمهور تنها ساعت بعد در پیامی به وزیر کشور دستور داد تا ضمن دلجویی از خانواده بالدی، کمیته‌ای برای بررسی دقیق ابعاد ماجرا و پیگیری و برخورد با خاطیان تشکیل شود. روز گذشته نیز شهردار اهواز استعفا کرد و معاون خدمات شهری شهرداری، شهردار منطقه سه، معاون شهرداری منطقه سه و مسئول اجرائیات شهرداری اهواز از سمت خود برکنار شدند.

فرامتن ماجرای احمد بالدی و جوانانی شبیه به احمد که ممکن است صدایشان به رسانه‌های رسمی نرسد، حائز اهمیت است. احتمالاً هرقد ر مرکز کشور دور شویم، به دلیل نبود نظارت کافی، رفتار برخی کارمندان دولت یا مأموران اجرائیات شهرداری با مردم، رفتاری قه‌ری و یا سلیقه‌ای است. فیلم‌های منتشرشده از حضور مأموران اجرائیات شهرداری اهواز در پارک زیتون برای تخلیه دکه اغذیه‌فروشی، نشان می‌دهد مأموران شهرداری اهواز با خانواده بالدی درگیر شده‌اند. هرچند دادستانی خوزستان در ابتدا اعلام کرد با سوءاستفاده‌کنندگان از ماجرای خودسوزی احمد برخورد می‌کند؛ اما بعداً دادستان عمومی اهواز رفتار نامناسب مأموران شهرداری و تصمیم خلاف قضایی شهرداری را تأیید و اعلام کرد برای شهردار و مسئول اجرائیات شهرداری منطقه ۳ اهواز قرار نظارت قضایی صادر شده است. اگرچه رفتار نامناسب مأموران شهرداری با احمد و مادرش و بی‌توجهی به تهدیدش برای خودسوزی، می‌تواند در اجراءکردن تصمیم احمد برای خودسوزی دخیل باشد؛ اما عدم تعلل مقام قضایی در پیگیری ماجرای خودسوزی احمد و دستور مستقیم رئیس‌جمهور برای تشکیل کمیته حقیقت‌یاب، نشان می‌دهد موضوع با جدیت در حال پیگیری است. ورود به‌هنگام مقام قضایی و دولتی و مسئولیت‌پذیری نسبت به خودسوزی یک شهروند اهوازی با تراژدی‌های پیش‌آمده، دقیقاً همان انتظاری است که هر ایرانی در هر کجای این سرزمین با شنیدن خبر خودسوزی احمد بالدی داشته است. از سوی دیگر، با آن‌که خبر برکناری تعدادی از مسئولان شهرداری اهواز و استعفای شهردار این کلان‌شهر خبر مثبتی بود؛ اما پازل پیگیری خودسوزی احمد از سوی مسئولان دولتی و قضایی وقتی تکمیل می‌شود که به طور دقیق و شفاف گزارشی از اتفاق پیش‌آمده تهیه و مقصران ماجرا به مردم اعلام و با آن‌ها برخورد شود. بدون شک، شفاف‌سازی خودسوزی احمد بالدی و برخورد با مقصران ماجب‌سرا، در اقناع افکار عمومی و عمل به وعده وفاق ملی، نقش مؤثری خواهد داشت. رفتار مسئولان دولتی و قضایی چه در سطح این استان و چه در سطح ملی، الگویی برای مدیریت موقعیت‌های مشابه خواهد بود. گذشته از این، پیگیری و بررسی ماجرای پیش‌آمده در پارک زیتون اهواز، از تبدیل یک تراژدی اجتماعی به پروژه دشمنمن جلویی‌ر خواهد کرد. نباید فراموش کنیم که بافت خوزستان، بافتی تشکیل شده از اقوام مختلف است و گروهک‌های تجزیه‌طلب در چند سال اخیر در میان اقوام خوزستانی برای به حاشیه راندن مطالبات به حق شهروندان فعالیت چشمگیری داشتند. هرگونه بهره‌برداری سیاسی اعم از قومیتی کردن ماجرا در دل استانی که اقوام مختلفی دارد، به حاشیه راندن اتفاقات آن روز است؛ امری که این اعتراض اجتماعی را پروژه سیاسی می‌کند و به حق خواهی مرگ احمد ضربه می‌زند و مطالبه برای برخورد با مقصران را به حاشیه می‌برد.

